

## شناخت مراحل دعوت و اصول و چگونگی به کارگیری روش های تربیتی در ترغیب فرزندان به نماز

رقیّه مقدّم<sup>۱</sup>، محمدمهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سطح دو (کارشناسی)، پژوهشگر مدرسه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها، بندر ماهشهر، خوزستان

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

### چکیده

زمینه سازی و فراهم کردن شرایط و بهره گیری از زمینه های مختلف مادی و معنوی، لازم است بیشتر در دوران کودکی و نوجوانی و قبل از سن بلوغ شرعی تحقق یابد. تا والدین بتوانند در این سن فرزندان را با نماز و نحوه ارتباط با خدا آشنا سازند و گرنه در سن بلوغ و بعد آن دچار مشکل خواهند شد. ذهن کودک، لوح سفیدی است که هرچه بر آن نگاشته شود به آسانی زودوده نمی شود. نقش والدین در آموختن ارزش ها، هنجارها و امور دینی و معنوی به کودک بسیار اساسی است. همه ما (والدین و مربیان) نسبت به فرزندان و شاگردان مسئولیم و باید در تربیت آن ها کوشا باشیم. فرزند وقتی در خانه است از والدین مسائل را می آموزد و وقتی که در مدرسه است از مربیان، والدین در آموختن ارزش های اسلامی به فرزندان بیش از سایرین تاثیر گذار می باشند. نماز بر نو نهالان گرچه واجب نیست، لیکن زمینه ساز دوران جوانی است. هدف از این تحقیق در این است که والدین و مربیان در ترغیب فرزندان و دانش آموزان به نماز مؤثر واقع گردد. در این نوشتار از روش کتابخانه ایی و از شیوه توصیفی \_ تحلیلی به مطالب پرداخته شده است.

**واژه های کلیدی:** انگیزه، تربیت، ترغیب، عبادت، گرایش به نماز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

شناخت مراحل دعوت و اصول و چگونگی به کارگیری روشهای تربیتی در ترغیب فرزندان به نماز بسیار مهم است. نماز عالی ترین و مؤثرترین ابزار تربیت و هدایت در انسان است که توجه به آن، سالم سازی فکری و روحی فرزندان را به دنبال دارد نماز فرضیه ای است که اساس فلسفه آن تربیت است و تأکید بر اقامه آن به صورت جماعت، نشان دهنده ی اجتماعی بودن این فرضیه است نماز از ملزومات تربیتی و هدایتی است که نقش مؤثری در سالم سازی فکری و روحی فرزندان دارد و رشد و اعتلای معنوی آن در محیط های مختلف به ویژه در خانه و توسط والدین با توجه به تأثیر اقامه نماز محقق می شود.

خانواده نخستین بستر تقویت روحیه عبادت، به ویژه نماز در انسان است. خانواده خصوصاً والدین، نخستین مرکز و کانون تعلیم و تربیت فرزندان است. اگر فرزند در خانواده ای رشد یابد که به دین و احکام عملی آن مؤمنانه و عاشقانه اهتمام می ورزند و به آموزه های آن از روی اخلاص و صداقت، گردن می نهند، امید بیشتری می رود تا فرزندشان نیز به آموزه های دینی احترام گذارد.

در حقیقت چگونگی ایفای نقش والدین و اهرم های تربیتی آن هاست که از همان ابتدا اعتقادات فرزند را شکل می دهد. باور قلبی پدر و مادر به عبادات و در رأس آن ها نماز و چگونگی بر پایی آن همراه با ایجاد انگیزه و آموزش صحیح و یکپارچگی رفتاری آنان می تواند به همان میزان، نگرش فرزند را به نماز پایدار کند. گاه مشاهده می شود والدین، اهل نماز هستند ولی فرزند آن ها در نماز گزاردن، سست و بی انگیزه و نا آگاه به احکام و معارف نماز است؛ شاید علت آن، فقدان به کارگیری شیوه های مناسب تربیتی و آموزشی از سوی والدین باشد. والدین برای ایفای نقش آموزشی خود علاوه بر آشنایی به اهمیت، فوائد، اسرار، فلسفه و احکام و آداب و افعال نماز که مقدمه کار می باشد، باید به شناخت اصول و روش های تربیتی مناسب و صحیح در جریان تدریجی آموزش نماز به فرزند خود آنان را به کار گیرند. در غیر این صورت نمی توانند مربیان و آموزگاران مؤثر و خوبی در به انجام رساندن این وظیفه باشند.

منابعی که در این زمینه به تحقیق پرداخته اند: اولین کتابی که در آن به این موضوع پرداخته شده (قرآن کریم) است و همچنین آقای محمد باقر مجلسی در جلد دوم کتاب (بحار الانوار) و رضا فرهادیان در کتاب (تربیت برتر) در سال ۱۳۹۰ و سیدعلی حسینی زاده در کتاب (نگرشی بر آموزش سیره تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در سال ۱۳۸۵ به این موضوع پرداخته اند.

ضرورت این موضوع در این است که جوانان و فرزندان ما دین گریز شده اند پس باید اصول و راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز را آشنا شویم و آن ها را عملی سازیم. تقویت بُعد شناختی نسبت به اسرار و فلسفه نماز و تبیین فواید و منابع آن باعث ایجاد و یا افزایش انگیزه در فرزندان و تشویق و ترغیب آنان در انجام

رفتار نماز می گردد. همچنین موجب می شود به جا آوردن نماز برای آنان توأم با نوعی احساس ناخوشایند نبوده و به صورت یک رفتار خشک و بی روح در نظرشان جلوه ننماید.

موفقیت در تأثیر تشویق فرزندان به نماز توسط والدین و جذب آنان به این امر مهم، توجه به روش های مناسب، جذاب و اصولی تبلیغ و تشویق نماز، عدم اصرار بر تنبیه های سخت و ارائه ی الگوهای عملی در این خصوص است که این عوامل باید مورد توجه والدین گرامی قرار گیرد. و مهم ترین هدف این تحقیق بررسی شیوه های تشویق والدین در گرایش و ترغیب فرزندان به نماز است.

سوال اصلی که مطرح می شود این است که شناخت مراحل دعوت و اصول و چگونگی به کارگیری روش های تربیتی در ترغیب فرزندان به نماز چیست؟ در این مقاله علاوه بر پاسخ به این سوال به سوالات جزئی تری مانند: چه رابطه ای بین تربیت دینی و گرایش فرزندان به نماز وجود دارد؟ چه رابطه ای بین وضعیت رفتاری والدین و گرایش و ترغیب فرزندان به نماز است؟ راهکارهای موثر والدین برای تشویق فرزندان به نماز کدام اند؟

## ۱. مفهوم شناسی واژگان

### ۱-۱. عبادت

«عبادت» به معنای خضوع است. طبری در تفسیر جامع البیان می گویند اصل عبودیت که به نظر او شامل عبادت نیز می شود، و همچنین نیز همه عرب به معنی ذلت و خاکساری است (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۱۶۱). و در اصطلاح منظور از کلمه «عبادت» عملی است که فرمانبری از معبودی را در پی دارد (ابن منظور، بی تا: ۲۷۳/۳).

### ۱-۲. تربیت

از کتاب های لغت اصیل و معتبر، استفاده می شود که واژه «تربیت» با دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» مرتبط است. کلمه «تربیت» مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتدل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش همانند «تزکی» بر وزن «تفعله» آمده است. ولی نویسنده عرب زبان کتاب النظام التربوی فی الاسلام با استناد به برخی کتاب های لغوی معتبر، تصریح کرده است: «تربیت» در لغت، از ماده «ربب» است، «التربیه فی اللغه ماخوذه من ربّ ولده و الصبی یربه» (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۴۱) «تربیت» در اصطلاح به معنای پرورش دادن، استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است و بر اثر تربیت آن توانی ها را به فعلیت در آوردن و پروردن می باشد (<http://hedayatrastein.blogfa.com>، تربیت در اصطلاح).

## ۲. شناخت مراحل دعوت و اصول

اصولی که در تبلیغ و تبیین معارف نماز باید به آن ها توجه کرد عبارت اند از:

اصل ارتباط و جلب توجه مخاطب، اصل انگیزش، اصل تفاوت های فردی، اصل استفاده از فرصت ها، اصل ارزشیابی که به هر یک به طور مفصل می پردازیم.

#### ۱-۲. اصل ارتباط و جلب توجه مخاطب

یکی از اصول زیربنایی که در تبیین فرهنگ نماز در ارتباط با جوانان و نوجوانان باید لحاظ شود اصل ارتباط است. ارتباط عبارت از: امری طرفینی و دوجانبه و براساس جریان متقابل است که با استفاده از فرآیند مبادله اطلاعات و احساسات صورت می گیرد.

هنر ارتباط برای اولیاء و مربیان بسیار با اهمیت است تا بتوانند نظر و توجه فرزندان را به خواسته خود جلب نمایند. آنان باید بتوانند مستقیم یا غیر مستقیم بین خود و آنان رابطه برقرار کرد. توجه آنان را به خود و در واقع به آن چه می گویند جلب کنند. اگر این کار صورت بگیرد امیدی هست که به هدف خویش دست یابند. ائمه معصوم (علیهم السلام) ما، با توجه به این اصل ابتدا با شیوه های گوناگون توجه مخاطبان را به خود جلب کرده سپس آن چه را که می خواستند آموزش دهند را انجام می دادند (فرهادیان، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

از نظر اسلام ارتباطی، سالم است که بر پایه تکریم شخصیت، عزت نفس و احترام متقابل افراد استوار باشد. آنچه در ایجاد یک ارتباط سالم و منطقی به اولیاء و مربیان کمک می کند تا خواسته های خویش را پیرامون جذب فرزندان شان به نماز و بندگی خدا اعمال نمایند. می توان به موارد ذیل اشاره کرد (همان).

#### ۱-۲. گفت و شنود صمیمانه

گفت و شنود صمیمانه با به کار بردن واژه ها و کلمات مناسب که نقش ویژه ای در نقل و انتقال مفاهیم و احساسات انسان ها باز می کند واژه ها در نقل و انتقال اطلاعات و ارتباطات در انسان از بار احساسی مهمی برخوردارند و از نظر عاطفی کلمات تأثیر فوق العاده ای در روحیه افراد انسانی دارد بیان و گفت و گو که برای ایجاد ارتباط در قالب کلمات و الفاظ رد و بدل می شود از اهمیت خاصی برخوردار است. و به همین سبب، خداوند متعال در قرآن کریم اولین ویژگی مهم انسان را پس خلقت او "بیان" ذکر می نماید. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ\* علمه البیان» انسان را بیافرید به او سخن گفتن آموخت (الرحمن/۲، ۳).

بیان و گفتار مهم ترین وسیله ارتباط انسان با یکدیگر است و چون ارتباط فرآیندی است دو طرفه است بخش اعظم ارتباط انسان ها از طریق گفت و شنود و همین مکالمات عادی و روزمره صورت می گیرد لذا در ارتباط صحیح و سالم باید هم گوینده خوبی بود و هم شنونده خوبی، پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ اطَابَ اللِّكْلَامَ» بهترین شما کسی است که سخنش را پاک گرداند (مجلسی، بی تا: ۳۸۳/۲).

در تبادل اطلاعات و احساسات و عواطف باید از نقش و تأثیر عاطفی و روانی واژه ها و کلمات آگاه بود باید توجه داشت که چگونه بعضی از کلمات و واژه ها در ایجاد و برقراری ارتباط سالم نقش سازنده داشته و همواره در ایجاد صمیمیت و دوستی مؤثرند (فرهادیان، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

#### ۲-۱-۲. موقعیت و فضای ارتباط و برخورد

باید دانست که ارتباط سالم در فضایی حاکی از صمیمیت و محبت و احترام متقابل، توأم با شناخت و در نظر گرفتن معنا و نقش عاطفی کلمات امکان پذیر است.

فضای برخورد یعنی وضعیت ظاهری: نگاه ها و حالت های چهره و ابروها، قیافه عبوس، تبسم ملیح، غرور با خضوع و فروتنی در ایجاد فضای مثبت یا منفی اثرهای مهمی در ارتباط می گذارد (همان).

لقمان حکیم تأثیر گذاری نگاه تکبر گونه و راه رفتن با غرور و تکبر را به فرزندش یادآوری می کند. «و لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا» (لقمان/۱۸).

#### ۲-۱-۳. رعایت لحن و آهنگ گفتار

از نظر روانی و عاطفی لحن و آهنگ کلام در ارتباطات متقابل تأثیر مطلوب و نامطلوب دارد. گاه اگر سخن با لحن خشن و صدای شدید القاء شود آرامش انسان را به هم می ریزد و تأثیر منفی در روحیه طرف مقابل می گذارد و وی را عصبانی می کند و گاه لحن نرم و آرام غضب و عصبیتی را فرو می نشاند (فرهادیان، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

قرآن کریم، سفارشات تربیتی لازم را در این باب می فرماید: «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (لقمان/۱۹) لحن و سخنت را آرام کن «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) با مردم به نیکی سخن بگوئید. «وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (انبیاء/۸۳) و با آنان سخن نیک بگوئید.

#### ۲-۱-۴. مطابق میزان عقل و درک مخاطب سخن گفته شود

زیرا فرد باید بتواند به خوبی سخن را درک کند و در ذهن خود تجزیه و تحلیل نماید. و به موقع عمل کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «نحن معاشر الانبياء نكلم الناس على قدر عقولهم» ما گروه انبیاء ماموریت داریم که مطابق عقل مردم با آن ها سخن بگوئیم (مجلسی، بی تا: ۸۵/۱). اگر در ارتباط رویکرد عقل و درک مخاطب رعایت نشود. احتمال دارد فرد گوش دهد ولی محدودیت تفکر، آن ها را با نوعی تفسیر تحت الفظی و ظاهری درگیر سازد (همان).

#### ۲-۱-۵. استفاده از تکیه کلام های گوناگون یا کلمه های خطاب در لا به لای سخن

تکیه کلام در قسمت های مختلف سخن می تواند مانند دست اندازی که راننده را از خواب آلودگی و چرت زدن نجات می دهد. توجه مخاطب را بر می انگیزد. زیرا این گونه کلمات در حکم ندایی است که متوجه تک

تک افراد شده و آن ها را فرا می خواند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لا تُكْرَهُوا الی انفسکم العباده» عبادت را برای خویش ناخوشایند نکنید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲/۲).

انگیزه دو گونه است درونی و بیرونی؛ مراد از انگیزه درونی، انگیزه ای است که عامل برانگیزنده آن درون خود فرد باشد. به گونه ای که فرد از درون، نسبت به یادگیری اشتیاق پیدا کند و دیگر نیازی به تشویق های بیرونی نباشد. این نوع انگیزه، می تواند در هرکس باشد. معمولاً در پیشرفت و ادامه کار به آسانی متوقف نمی شود. برخلاف انگیزه بیرونی که به تشویق کننده های بیرونی نیاز دارد و یا به دست آوردن آن مشوق انگیزه، کاهش می یابد و تشویق و تحریک کننده جدید پیدا می شود (حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۳۸).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بسیار تلاششان بر این بود که انگیزه درونی اشخاص زنده شود. نمونه ای از این شیوه در ذیل بیان می کنیم.

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به مسجد آمد مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گذارد. سپس نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و سلام کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) پاسخ سلام وی را داد و فرمود: برگرد و نمازت را بخوان که نماز نخوانده ای! آن مرد نمازش را دوباره خواند و نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و سلام کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باز فرمود: برگرد نماز بخوان که نماز نخوانده ای! تا سه بار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین کرد. آن مرد پس از بار سوم که درمانده شده بود و نمی دانست، عیب نمازش کجاست، عرض کرد: به آن خدایی که تو را به حق برانگیخته، من بهتر از این نماز، یاد ندارم، تو آن را به من بیاموز، پس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) کیفیت نماز صبح را به او آموخت.

نتیجه ای که از این داستان می توان گرفت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ابتدا می توانست نماز صبح را به او یاد دهد. ولی می خواست احساس نیاز را در درون او زنده کند که از درون، این شخص به امر صحیح خوانی نماز اقبال پیدا کند. و در درون خود این تشنگی را احساس بکند که نماز نمی داند و باید نماز صحیح را یاد بگیرد و با رغبت و انگیزه ی قوی سراغ آن برود نه از روی اکراه و اجبار (همان).

## ۲-۲. اصل انگیزش

انگیزش یعنی بیدار نمودن احساس درونی یک شخص که میل و رغبت او را نسبت به انجام دادن یا فراگرفتن امری بالا می برد. انگیزش به معنی حرکت در آوردن، عزاء، تحریض، باعث و داعی و آن چه آزاده را به کاری تحریک کند (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۶۲۸/۳).

خداوند در قرآن کریم می فرماید: ای پیامبر! مومنان را به کارزار و نبرد با کفار بر انگیز؛ طبق این اصل والدین و مربیان کاری کنند که تقید به نماز و عبادت خداوند مطلوب فرزندان و مورد رغبت آنان قرار گیرد. امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «ان للقلوب شهوة و اقبالاً و ادباراً فأتواها من قبل شهوتها و اقبالها»

فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمَى» همانا قلب ها، میل و روی آوردن و روی گردانی دارند پس از جانب تمایل و روی آوردن قلب هایتان بر آن وارد شوید. چرا که وقتی قلب، به کاری اکراه شود کور می گردد(نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳).

این شیوه نیز از شیوه هایی است که معصومان (علیهم السلام) از آن برای جلب توجه مخاطبان خود بهره می برند. عبارت ها با تکیه کلام های مانند: (ایها الناس، عبادالله، یا بُنَّی) و مانند آن ها در کلام آن، بزرگواران، فراوان به کار رفته است(حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۳۶).

در قرآن کریم نیز چنین خطاب هایی از قول لقمان حکیم نقل شده است. که در آن حضرت برای خطاب به فرزندش از عبارت "یا بُنَّی" استفاده کرده است. «وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانَ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعْظُمُهُ، يَا بُنَّی لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/۱۴) و هنگامی که لقمان به فرزندش در حالی که او را نصیحت می کرد گفت: فرزندم برای خدا شریک قائل مشو که شرک به خدا ظلم بزرگی است؛ و نمونه دیگر از نهج البلاغه، وقتی مولا علی (علیه السلام) سوال کننده ای را در مسجد کوفه که خطاب به وی گفت خدا را آن گونه توصیف کن که گویا با چشم سر او را دیده ایم عبارت «فانظر ایها السائل فما ذلک القرآنُ علیه صفته» را به کار می برد(نهج البلاغه، خطبه ۹۱).

چه مواردی را در پاسخ به سوالات مذهبی فرزندانمان رعایت کنیم:

اول اینکه به سوالات آن ها خوب گوش دهیم و سعی کنیم درک دقیقی از آن داشته باشیم. زیرا اگر سوال برایمان نا مشخص باشد، نمی توانیم منظور مخاطبان را بفهمیم و پاسخ درست به او بدهیم. و فرزند نیز نمی تواند سریع تر و راحت تر و با خیال آسوده موضوع مورد نظر خود را با ما در نظر بگذارد. لذا با حوصله پرسش او را گوش کنیم و با احترام و کمی مکث اگر توان پاسخ داریم جواب او را بدهیم؛ و اگر توان پاسخ نداریم، از گفتن "نمی دانم" شرم نکنیم. زیرا اگر ندانسته به سوالی جواب بدهیم هم ذهن او را منحرف می نمایم و هم زمینه تشکیک در مسائل دینی را برایش فراهم می کنیم. و از همه مهم تر در نظر فرزند، بعد از این که فهمید ما جواب درستی به او نداده ایم تحقیر خواهیم شد. بنابراین امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: «قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ» سخن این که بگوئی نمی دانم نصف دانش است(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۸).

۳-۲. اصل تفاوت های فردی

تفاوت به معنای فرق و اختلاف دائمی داشتن ذکر شده است(معین، ۱۳۸۱: ۳۷/۲). یکی از آداب مهمی که در امر تعلیم و تربیت باید لحاظ شود. تفاوت افراد مورد تعلیم با یکدیگر است از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده که فرموده است: «نا آگاهی مردم متفاوت باشد (بزرگتران، خیر خواهانه کوچک تران را امر و نهی کنند. و کم سالان، ادب و تسلیم را رعایت نمایند). آنان به خیر و خوشی زندگی کنند و

روزگاری که یکسان و یکنواخت شود. همان روز، گاه تباهی و نابودی آن ها باشد(حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۶۱۲/۳).

آنچه باعث تفاوت فردی می شود عبارتند از وضعیت جسمانی و فیزیولوژیکی، میزان عقل و هوش و توانایی های ذهنی و روانی افراد با همدیگر می باشد. پیامبران و ائمه (علیهم السلام) در سیره تربیتی خود به این امر مهم توجه ویژه ای داشته اند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند: «نحن معاشر الانبیاء نکلّم الناس علی قدر عقولهم» ما گروه انبیاء ماموریت داریم که مطابق عقل مردم با آن ها سخن بگوئیم(مجلسی، بی تا: ۱/۱۳۸۵). پدران و مادران و مربیان محترم، در رابطه یادگیری نماز وضعیت جسمانی و روحی و روانی فرزندان را در نظر بگیرند و به اندازه توان از آن ها تکلیف بخواهید. «لا یکلف الله نفساً الا وسعها» (بقره: ۲۸۶؛ مجلسی، بی تا: ۱/۱۳۸۵).

#### ۴-۲. اصل استفاده از فرصت ها

طبق این اصل، باید از جهت آموختن احکام نماز و روش های اقامه آن از هر فرصتی مناسبی بهره گرفت. فرصتی که باید با نوع آموزش، تناسب داشته باشد اگر تناسب نداشته باشد کار آموزشی نتیجه عکس می دهد. مثلاً زمانی که فرزند در تب می سوزد یا وقت خواب اوست از او بخواهیم که در کنار ما بشیند و سوره حمد را بخواند و یا ذکر رکوع را بگوید بدیهی است که این فرصت برای این کار تناسب ندارد و باعث خاموش کردن انگیزه وی برای فراگیری نماز هم می شود.

مربی خوب کسی است که فرصت ها را بشناسد و فرصت های خوب را غنیمت بدارد و از فرصت سوزی بپرهیزد. یعنی در زمان مناسب نان را به تنور بزند، اگر تنور سرد باشد، خمیر به دیواره آن نمی چسبد و می افتد. اصل استفاده از فرصت ها، موجب آسان شدن آموزش و از سوی دیگر باعث، رواج و نشر و گسترش مطالب مورد نظر آموزشی می شود مربی با تکیه بر این اصل همواره می کوشد، در هر فرصتی که دانش آموزی پیدا شد به آموزش او بپردازد. افزون بر این همواره در صدد ایجاد فرصت های آموزشی بر خواهد آمد به عنوان مثال، معصومین (علیهم السلام) اغلب، بعد از طلوع آفتاب و در مسجد به تربیت و آموزش شاگرد می پرداختند. ولی آموزش های آنان به این زمان و مکان اختصاص نداشته است(حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۵۷).

#### ۵-۲. اصل ارزشیابی

اصطلاح ارزشیابی (با ارزیابی) به طور ساده به تعیین ارزش برای هر چیزی با داوری ارزشی کردن گفته می شود. با این حال تعریف جامع تری از ارزشیابی به شرح زیر می توان گفت: ارزشیابی به یک فرایند نظام داری برای جمع آوری تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می شود. که به این منظور تعیین شود آیا هدف های مورد نظر تحقق یافته اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزان(سیف، بی تا: ۳۶).



ارزشیابی می تواند هم در ابتدا آموزش و هم در پایان آموزش صورت می گیرد هم چنین هم می تواند رسمی باشد و هم غیر رسمی ولی هدف عمده از انجام آن برای تعیین میزان کیفیت و ارزش یک برنامه، فرآیند آموزشی و میزان تحقق یافتن هدف های مورد نظر می باشد و باعث می شود که فراگیر و همیشه به مطالعه و یادگیری آموخته ها بپردازد.

در فرآیند آموزشی و دعوت فرزندان به نماز نیز ارزشیابی نقش مهمی دارد و در سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) هم به آن توجه ویژه گردیده است.

در حدیثی که جابر می گوید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از من پرسید هرگاه به نماز می ایستی چگونه قرائت می کنی گفتم: می گویم الحمد لله رب العالمین، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: بگو بسم الله الرحمن الرحیم\* الحمد لله رب العالمین» (حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۷۳).

حماد بن عیسی نیز می گوید: امام صادق (علیه السلام) روزی به من فرمود: آیا نیکو نماز به جای می گذاری؟ عرض کردم: آقای من کتاب حریر در نماز را حفظم، امام فرمود: حفظ آن بر تو لازم نیست، بلندشو و نماز بگذار حماد می گوید: در برابر امام رو به قبله ایستادم و رکوع و سجده کردم امام فرمود: حماد نیکو نماز نمی گذاری چه زشت است برای انسان که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و یک نماز کامل یا تمام حدود و شرایطش اقامه نکرده باشد. حماد می گوید: در خود احساس سرافکنندگی می کردم و به امام عرض کردم: فدایت شوم نماز را به من بیاموز امام رو به قبله ایستاد و... (همان، ۷۴).

### ۳. اقسام روش تربیتی

دانشمندان تعلیم و تربیت در یک دسته بندی کلی، روش های تربیتی را به سه دسته.

(الف) روش های اصلاحی: منظور از روش های اصلاحی آن دسته از روش های تربیتی اند که حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند می باشد.

(ب) روش ایجابی: مراد از روش های ایجابی، روش هایی است که در ایجاد یک رفتار تازه یا تداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست به کار می آید.

(ج) روش های عام: این است که کارکرد بعضی از روش ها تنها به یک حوزه خاص (صرف اصلاح رفتار یا ایجاد رفتار) خلاصه نمی شود بلکه در هر دو جنبه کارآیی دارند. (یعنی تلفیقی از روش های ایجابی و اصلاحی هستند) مثل روش پرسش و پاسخ و استفهام با تلقین به نفس و یا استفاده از تشبیه و تمثیل (منصورتزاد، ۱۳۸۹: ۸۱).

در تقسیم بندی جزئی تر کارشناسان تعلیم و تربیت بیش از سی روش تربیتی را با ذکر راهکارهای عملی آن ها بیان کرده اند که عبارتند از: ۱. روش الگویی ۲. روش موعظه ۳. روش محبت و مهر ۴. روش ابتلاء ۵. روش اعطاء بینش ۶. روش تحصیل به نفس ۷. روش تذکر ۸. روش عبرت ۹. روش توبه ۱۰. روش تبشیر ۱۱. روش انذار

۱۲. روش فرضیه سازی ۱۳. روش محاسبه نفس ۱۴. روش زمینه سازی ۱۵. روش تغییر موقعیت ۱۶. روش مبالغه و پاداش ۱۷. روش مواجهه با نتایج اعمال ۱۸. روش تحریک ایمان ۱۹. روش مبالغه در عفو ۲۰. روش تکلیف به قدر وسع ۲۱. روش مجازات به قدر خطا ۲۲. روش ابزار توانایی ها ۲۳. روش تغافل ۲۴. روش مرحله ای نمودن تکلیف ۲۵. روش تجدید نظر در تکلیف ۲۶. روش عطا و حرمان ۲۷. روش تمثیل ۲۸. روش تزئین کلام ۲۹. روش امر به معروف و نهی از منکر؛ پرداختن به همه ای این روش ها فراتر از موضوع و این نوشتار است و سعی بر این شده که در اینجا به شرح مهم ترین آن ها بپردازیم (همان).

### ۳-۱. روش تحریک ایمان

پدران و مادران در روش اعطاء بینش فرزندان خود را به تفکر وادار می نمایند. عقل و تفکر در آیات الهی و استفاده از راه های معرفت بخش می تواند خوب را از بد تشخیص دهد و معرفی کند اما این کار عقل، احتمال دارد به عمل صالح نینجامد لذا بایستی یک رابطه درونی میان حوزه معلومات شخص با قلب او شکل بگیرد. قرآن کریم جایگاه شناخت را عقل و اندیشه آدمی دانسته ولی جایگاه ایمان را قلب معرفی کرده است: «قالت الاعرابُ أَمَّنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلْتِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات/۱۴) بادیه نشینان گفتند: ما (از عمق قلب) ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید: اسلام آورده ایم زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، چیزی از اعمالتان را نمی کاهد زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

جوان وقتی به تکلیف عمل می کند که به آن چه فهمیده است ایمان پیدا کند یعنی در قلبش حک می گردد. شناخت قلبی موجب رستگاری می شود که به مرحله عمل برسد و عمل در پرتو ایمان یعنی همان باور و اعتقاد قلبی همراه با حب و دوستی به حق و اعتماد و اطمینان است که در قلب حاصل می گردد. لذا اگر بخواهیم فرزندانمان به سوی نماز که یک عمل صالح است گام بردارند باید بکوشیم تا قلب خود را برای پذیرش آن آماده سازند.

قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می شود که از زشتی ها دور و به زیبایی ها آراسته گردد. به این خاطر باید خواستگاه عمل قرار گیرد. یعنی اگر علم میزان توانستن است ایمان خود خواستن است. لذا باید در زندگی شخصی کارهایی را که قلب فرزندانمان را نا زیبا می کند بشناسیم و به او معرفی کنیم یعنی اعمالی را که فرزند انجام دهد باعث بسته شدن قلب او بر روی حقایق می گردد. بخاطر این که شخص بتواند به نحو مطلوب دستورات عملی واجب، حرام، مستحب و مباح را بشناسد. باید فرزندان را راهنمایی کرد تا از شخص عالم و مجتهد جامع شرایط تقلید نماید. رساله توضیح المسائل را تهیه نموده و مطابق فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند.

یکی دیگر از اصولی که در روش دعوت به ایمان باید لحاظ و مورد توجه قرار بگیرد رعایت اصل تسهیل و تداوم است به سهولت عمل کردن باعث می شود که عمل تا پایان ترک نگردد و سبب تداوم می شود. اگر بخواهیم جوان و نوجوان را نماز خوان کنیم بهتر است نماز را در سطح ساده آن بدون ذکرهای مستحبی طولانی از او بخواهیم و تدریجاً مطلب نماز را آموزش دهیم (مجلسی، بی تا: ۲۷۱/۹).

لذا قرآن، محافظت و مداومت بر نماز را یادآوری کرده است. «الذین هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَ الذین هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج/۲۳ و ۲۴) (انسان ها در نوسان اند) مگر نماز گزارانی که بر نماز خود مداومت می ورزند و آنان که بر نماز خود محافظت دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۰۱/۱۷).

### ۳-۲. روش الگویی

در این روش، مسئولین تربیتی فرزندان (اولیاء و مربیان) انسان هایی را به عنوان نمونه ای عینی و محسوس، به عنوان مطلوب متربی، معرفی می نمایند و تا او خود را همانند الگوی مناسب معرفی شده سازد و گاه در جای گام او نهد و مثل او عمل نماید.

الگویی روشی بسیار مؤثر و سریع در تربیت است و هرچه نمونه ارائه شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره مند باشد این روش از کارایی بیش تری برخوردار خواهد بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

یکی از ویژگی های روانی انسان، تقلید از جلوه های رفتاری دیگران است و سعی می کند از عمل دیگران نمونه برداری کند لذا مربیان و والدین می بایست از این شیوه در تربیت فرزندان بهره گیری نمایند. قرآن کریم انسان ها را دعوت به الگوگیری از مرام و رفتار انبیاء بزرگ الهی، در رأس آن ها پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می نماید. «لقد کان لکم فی رسولِ الله اسوةٌ حسنه» (احزاب/۲۱) مسلماً رسول خدا برای شما الگویی نیکوست.

روش الگویی بهترین وسیله برای انگیزه بخشیدن، جهت دادن و راه بردن متربیان است، قرآن کریم، سیرت حضرت ابراهیم (علیه السلام) پیروان او را سیرتی نمونه برای بیزاری و دوری جستن از کفر و باطل و ارادت و نزدیکی جستن به ایمان و حق معرفی می کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

### ۳-۳. روش تشویق و پاداش

تشویق در لغت به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن می باشد (معین، ۱۳۸۱: ۳۶۲/۲). و در اصطلاح، رفتاری است که مربی به وسیله آن، احساس خوشایندی در متربی نسبت به عمل مطلوبی که انجام داده است. ایجاد می کند تا او عمل ارزشی خود را ادامه دهد. یا عشق و علاقه به انجام آن عمل در وجودش تثبیت گردد. بنابراین تشویق به طور خلاصه عبارت است از ایجاد احساس خوشایندی، در پی رفتار ارزش مدار، برای توجه دادن متربی به حسن کردار خویش، و هدف نهایی این روش، ایجاد شوق برای بیشتر و بهتر ادامه دادن آن رفتار ارزشمند است (بنی هاشمی، ۱۳۸۹: ۸۹).

در تربیت اسلامی، تشویق جایگاه والایی دارد چرا که مربیان بخواهند متریبان را به سوی اهداف تربیتی، حرکت دهند باید میان شایستگان و ناشایستگان فرق قائل شوند. شایستگان برای عمل مثبت تقویت شوند و ناشایستگان به خودآیند و از رکورد و خمودگی و انحراف نجات پیدا کنند. امام علی (علیه السلام) در عهد نامه مالک اشتر به وی سفارش می کند: «که هرگز نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان نباشند. که انگیزه نیکوکار را در انجام نیکی کم کند و بدکردار را به بدی وادار می نماید» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پدران و مادران و اولیاء محترم، باید بدانند هیچ چیز مانند تشویق صحیح و به جا روحیه فرزندشان را به انجام عبادت خدا و سایر کارهای خوب بر نمی انگیزاند. زیرا فرزند انسان، فطرتاً عاشق کمال و پیشرفت و تحسین و قدر دانی است او ذاتاً از نقض و کمبود انزجار دارد و تشویق یک عامل بسیار مهمی است که نقص و کمبود او را بپوشاند اگر به او گفته شود احسنت امروز سر وقت، نماز خواندی یا در نماز جماعت شرکت کردی و یا هدیه به این خاطر به او داده شود احساس دلگرمی و نشاط و بالندگی می کند ولی باید به او گفته شود که برای چه او را تشویق می کنیم.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شخصی را دید که در نمازش خدا را می خواند و با عبادت های عمیق و مضمون های عالی، به خدا تقرب می جست. کلمات محکم و عبارات شیوای او دلالت بر آگاهی او داشت و حاکی از درجه ایمان و کمال او بود. آن شخص در حال نماز خواندن بود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شخصی را مشخص کرد تا منتظر بماند و بعد از اتمام نماز، او را نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بیاورد. همین که آن شخص از نماز فارغ شد نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حاضر شد پیامبر قطعه ای طلا به او هدیه کرده و سپس فرمود آیا دانستی چرا این طلا را به تو هدیه دادم؟ آن شخص گفت: به سبب خویشاوندی و نزدیکی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: خویشاوندی حقی دارد؛ اما این طلا را به تو هدیه دادم زیرا خوب ثنای خداوند عزوجل را گفتی (داودی، ۱۳۸۹: ۶۳).

در این عملکرد تشویقی رسول خدا، هم علت را بیان فرموده وهم به موقع فرد را تشویق کرده وهم حسن عمل مشخص گردیده است.

#### ۳-۴. روش تنبیه

تنبیه نقطه مقابل تشویق است و به معنای آگاه کردن است (معین، ۱۳۸۱: ۲/۳۸۶). و در اصطلاح بر عکس تشویق، عبارت است از ایجاد احساس ناخوشایند در متربی بخاطر این که به او بفهمانیم کاری را که انجام داده مطلوب نیست و هدف مان آن باشد که او را از غفلت در آوریم. تا هم قبح رفتار ضد ارزشی خود را بفهمد و هم دگر بار آن را انجام ندهد.

برای این که احساس نا خوشایند در درون متربی ایجاد کنیم می بایست زیبایی عمل مطلوب و نازیبایی عمل قبیح را برای او مشخص و ملموس نماییم. مثلاً او بداند و بفهمد که نماز خواندن و عبادت پرودگار

زیبایست و بی نمازی و روی گردانی از ذکر پروردگار زشت و نازیباست اگر برایش نامشخص باشد او نمی تواند تشخیص دهد که برای چه تنبیه شده است. بنابراین نه تنها از غفلت بیدار نمی شود بلکه سردرگم و حیران می ماند. لذا به این خاطر، تنبیه همواره باید با موعظه همراه باشد.

در روایات و متون اسلامی، هر جا که سخن از تشویق به میان آمده است. به نقش تربیتی تنبیه هم اشاره شده است و به این خاطر تنبیه در تعلیم و تربیت بسیار مورد نظر است ولی چون فطرت انسان کمال خواهی است و انسان فطرتاً از نقص طلبی، گریزان است بدین منظور ابتدا تشویق توصیه شده بعد تنبیه تجویز می گردد (مجلسی، بی تا: ۷۲/۴۴).

#### ۱-۴-۳. مراحل تنبیه

تنبیه دارای مراحل است که در اینجا به برخی از آن ها می پردازیم.

#### ۱-۴-۱-۱. تشویق نیکوکار و بی توجهی به شخصی که کار نیک را ترک کرده

اولیاء و مربیان محترم، می بایست فرزندان و شاگردان خود را ابتدا از پاداش مورد انتظار محروم کنند و یا پاداش دادن به نیکوکار، آن ها را متوجه عمل اشتباه شان نمایند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أزجر المسیء بثواب المحسن» (مجلسی، بی تا: ۷۲/۴۴) بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار از عمل بد بازدار.

مثلاً مربی محترم و معلم عزیز، در مراسم صبحگاه اعلام بفرمایند امروز، دانش آموزانی که در نماز جماعت ظهر و عصر مدرسه حاضر شده اند را نام می بریم نام بردن دانش آموزان نمازخوان و عدم ذکر نام دانش آموزان بی نماز، خود یک عامل انتباه برای آنان محسوب می شود (محمد ری شهری، ۱۳۷۱: ۷۷/۱).

#### ۲-۴-۱-۲. توبیخ

توبیخ کردن از نگاه خشم آلود و با تذکر مستقیم و علنی به پیش می رود. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «عقوبه العقلاء التلویح و عقوبه الجهال التصریح» (همان) کیفر عاقلان و خردمندان به صورت کنایه و کیفر نادانان به صورت آشکار ظاهر است (همان، ۱۷).

#### ۳-۴-۱-۳. تنبیه بدنی

تنبیه بدنی آخرین مرحله و آخرین تیر شلیک است که باید با شرایط خاص خود انجام بگیرد. در احادیث مربوط به ائمه اطهار می خوانیم که فرزند را در ۹ سالگی بخاطر ترک نماز بزنید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «فرزندان هفت ساله تان را به نماز وادار کنید و تمرینشان بدهید، نه سالگان را اگر ترک نماز نمودند کتک بزنید (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۶).

تأثیر تنبیه وسیله ای برای فرو نشانیدن و کنترل استعداد های ناپسند در حق کسانی که شیوه های ملایم تر درباره ی آنان نتیجه بخش نبوده است. ائمه اطهار که با جان و دل در فکر نجات می باشند و چون بی نمازی را از عواملی می دانستند که باعث بیچارگی و بدبختی انسان در دنیا و آخرت می شود تمام تلاششان بر این

بود که فرزند آدمی را از این مهلکه خطرناک نجات دهند، لذا بخاطر این که امر نماز برای آن ها عادت شود در ۹ سالگی که طبق فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دوران بندگی و عالمی می باشد و کودک چون چوب تر در دست انسان است و مانند سنگ صاف اثر پذیر است عادت به نماز پیدا کند تا مسیر بدبختی و شقاوت را طی نکند و ناگزیر سعادت مند گردد. «ماسلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین» (مدثر/ ۲۲ و ۲۳؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۶۱).

#### ۳-۴-۲. راهکارهای عملی تنبیه

دو نکته مهم که در راهکارهای عملی تنبیه باید رعایت شوند.

۳-۴-۲-۱. تنبیه، بخاطر عملکرد بر فرد انجام می گیرد و هدف آن است که شخص از بدی جدا شود و نباید شخصیت انسانی او مورد اهانت و حقارت قرار گیرد. مثلاً همراه با تنبیه به او فحش بدهیم، یعنی می خواهیم، نهی از منکر کنیم ولی ابزار کارمان خود منکر باشد.

۳-۴-۲-۲. تنبیه بهتر است در خفا و دور از چشم دیگران انجام گیرد. مگر در صورتی که شخص مستحق باشد. در جمع تنبیه شود اگر در ملاء عام به کسی بگویند نماز نمی خواند دنبال توجیح می گردد و قبح مسئله برایش می شکند و تنبیه اثر ندارد(همان).

#### ۳-۵. روش تذکر

تذکر به معنای، به یاد آوردن، یادآور شدن می باشد(معین، ۱۳۸۱: ۳۴۸/۲). و در اصطلاح روشی است تربیتی که در آن مربی با یاد آوری خدای متعال و نعمت هایش و یاد آوری مرگ و پیامدهایش متربی را نسبت به انجام وظیفه اش آگاه می سازد. قرآن کریم به صورت روشن و واضح به این روش اشاره نموده است. «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون»(اعراف/ ۲۰۱) و کسانی که پرهیزکاری پیشه کردند چون با پندار شیطانی برخورد کنند (خدا را) یاد کنند و در دم به بصیرت آیند(دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۶۱).

#### نتیجه گیری

برای شناخت مراحل دعوت و اصول چگونگی به کارگیری روش های تربیتی در ترغیب فرزندان به نماز همان بهتر است اول برای این که تشویق های والدین و مربیان در گرایش و ترغیب فرزندان و دانش آموزان به نماز، مؤثر واقع گردد، لازم است که والدین و مربیان گرامی از روش های مناسب دعوت و جذب بهره گیرند.

از جمله اصولی که در تبلیغ و تبیین معارف نماز باید به طور جدی و دقیق به آن ها توجه کرد عبارتند از:

۱. اصل ارتباط و جلب توجه مخاطب ۲. اصل انگیزش ۳. اصل تفاوت های فردی ۴. اصل استفاده از فرصت ها ۵. اصل ارزشیابی؛ که با درک این اصول می توانیم راحت تر فرزندانمان را به سوی نماز و افعال و گفتار نیک هدایت کنیم. پس از شناخت اصول باید بدانیم که چه روشی در چه زمان و مکانی بیشتر باعث جذب فرزندانمان یا دانش آموزانمان می شود و آن ها را در موقعیت مناسب به کارگیریم؛ در این مقاله به اهم ترین روش ها در جذب و تبلیغ نماز پرداختیم که این روش ها شامل: ۱. روش تحریک ایمان ۲. روش الگویی ۳. روش تشویق و پاداش ۴. روش تنبیه ۵. روش تذکر است. با یادگیری این اصول و روش ها، شرایط جذب را در منزل فراهم می نماییم. باید به این نکته توجه کرد که به کار بردن روش ها به تنهایی و بدون همکاری اعضای خانواده به ویژه والدین و بدون کمک گرفتن از معارف اسلامی و سفارش های بزرگان دین، تأثیر چندانی نخواهد گذاشت. از این رو به والدین و مشوقین نماز توصیه می شود تمامی جوانب ترغیب و جذب را رعایت نموده و عملاً و عملاً به آن ها بپردازند.

اهمیت این موضوع این است که ائمه اطهار و بزرگان دین به تربیت و ترغیب فرزندان به نماز قبل از سن بلوغ سفارش کرده اند. و لازم و ضروری است برای تشویق و ترغیب آن ها به نماز به طور عمقی و ریشه ای عمل کنیم و با روش های مناسب انگیزه نماز خواندن در آن ها ایجاد کنیم. در درجه اول باید کاری کنیم که فرزندان ما یک تلقی و شناخت خوب و لطیف از خداوند متعال داشته باشند.

از آنجایی که نماز مهم ترین توصیه انبیاء و بزرگان حکمت است باید طوری به فرزندان تفهیم و ترغیب کنیم که آن ها نماز را دیالوگی دوستانه با خداوند قلمداد کنند و از روی شناخت و برای رسیدن به کمال، به اقامه نماز بپردازند؛ و برای مسیر شدن این امر، خانواده ها و به ویژه والدین، باید یک نوع تلقی و نگرش مثبت و سازنده نسبت به احکام اسلام در فرزندان ایجاد کنند. و با رفتار و اخلاق خوب و با استفاده از روش های صحیح و مناسب ترغیبی فرزندان را به نماز تشویق کنند. هدف این تحقیق بررسی شیوه های تشویق والدین در گرایش و ترغیب فرزندان به نماز است.

## منابع

### فهرست منابع کتب فارسی

#### \* قرآن

#### \* نهج البلاغه

۱. بنی هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۹)، **درآمدی بر تربیت عقلائی**، چاپ دوم، تهران، ناشر مرکز فرهنگی انتشاراتی منبر.
۲. حسینی دشتی، سیدمصطفی، (۱۳۷۹)، **معارف و معاریف**، ج ۳، چاپ دوم، تهران، آرایه.
۳. حسینی زاده، سیدعلی، (۱۳۸۵)، **نگرشی بر آموزش سیره تربیتی پیامبر**، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. داودی، محمد، (۱۳۸۹)، **تربیت دینی**، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۷)، **سیری در تربیت اسلامی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دریا.
۶. سیف، علی اکبر، (بی تا)، **اندازه گیری، سنجش و ارزیابی**، چاپ پنجم، تهران، نشر دوران.
۷. شریف رضی، محمد بن الحسین، (۱۳۸۸)، **نهج البلاغه**، مترجم: حسین انصاریان، چاپ اول، قم، دارالعرفان.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، مترجم: محمددشتی، چاپ هشتم، قم، مشرقین.
۹. فرهادیان، رضا، (۱۳۹۲)، **والدین و مربیان مسئول**، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب قم.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، **تربیت برتر**، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۱)، **میزان الحکمه**، ج ۱، چاپ پانزدهم، قم، دارالحدیث.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**، چاپ دوم، قم، دارالحدیث.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۱)، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۲، چاپ بیست و هفتم، تهران، انتشارات معین تهران.
۱۴. منصور نژاد، محمد، (۱۳۸۹)، **تربیت دینی و آسیب شناسی، دلالت ها و روش ها**، چاپ اول، تهران، انتشارات جوان پویا.
- فهرست منابع کتب عربی
۱۵. ابن منظور، (بی تا)، **لسان العرب**، ج ۳، چاپ اول، بیروت\_ لبنان، دارصادر.



۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰)، **غرر الحکم و درر الکلم**، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی.

۱۷. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، **وسائل الشیعه**، ج ۱۷، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابچی.

۱۸. شریف قریشی، باقر، (۱۳۶۲)، **النظام التربوی فی الاسلام**، چاپ سوم، تهران، فجر.

۱۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، **جامع البیان**، ج ۱، چاپ اول، بیروت\_ لبنان، دارالمعرفه.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، **اصول کافی**، ج ۲ و ۶، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۱. مجلسی، محمد بن باقر، (بی تا)، **بحار الانوار**، ج ۱ و ۲ و ۹ و ۴۴، چاپ دوم، بیروت\_ لبنان، دارالاحیاء- التراث العربی.

سایت

<http://hedayatrastein.blogfa.com>، تربیت در اصطلاح.

